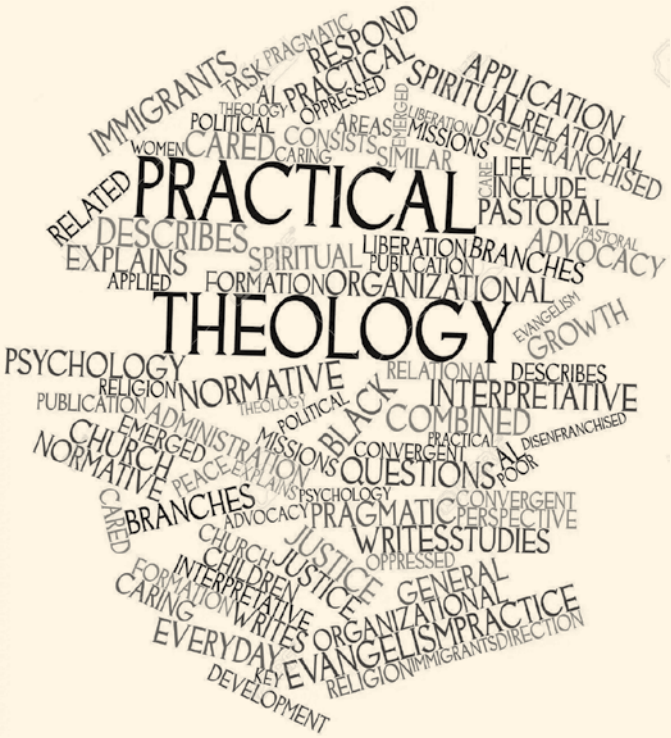

معمای دین و دنیا کوشش‌های درخوری داشته است. در این میان، رویکرد تمدنی به اسلام در نوشته‌های مصلحان دنیای اسلام مهم بوده است. البته در اینکه تمدن چیست و اقتضائات رویکرد تمدنی در مطالعات دینی و غیردینی چه است و چگونه می‌توان آن را در فضای مدرن و پست‌مدرن احیا کرد هنوز ابهامات فراوانی وجود دارد و تا کنون ابعاد نظری و عملی آن در دنیای اسلام و در اندیشهٔ اسلامی به درستی تبیین و روشن نگردیده است؛ لیکن شروع گفت‌وگوهای تمدنی میان اندیشمندان اجتماعی و اسلامی، که از نیمهٔ دومِ قرن بیستم رواجی گسترده یافته است، می‌تواند در تبیین ابعاد ناپیدای آن مقوله از یك سو و نهادینه ساختن رویکرد کلان اجتماعی به معضلات جدید در جهان اسلام از سوی دیگر مؤثر و راهگشا باشد.

گفتمان اصلاح هرچند بر عمل سیاسی و بلکه گاه انقلابی تأکید کرده و درصدد ایجاد یك تمدن قدرتمند جهانی است، لیکن در نحوهٔ رسیدن به این تمدن و نحوهٔ چالش یا وفاق با دنیای جدید و محصولات علم مدرن متفاوت از جریانات رادیکال و افراطی بنیادگرایانه است. در اندیشهٔ اصلاحی، به‌ویژه در برخورد با پدیده‌های فرهنگی مدرن، نوعاً به‌جای کشمکش بر توافق تأکید می‌شود، هرچند در حوزهٔ سیاست و در اصلِ «برخورد انقلابی با استعمار» با جریان بنیادگرا همسویی وجود دارد. البته استفاده از عقل در زندگیِ این جهانی نیز نه برای فروکاستن وحی و دین به عقل و سنجه‌های عقلانی (در عقلانیت سکولار) است، بلکه برای نیل به دین ناب و تمیز آن از امور تاریخی‌ای است که در گذر زمان بر چهرهٔ دین نشسته است. اساساً عقلانیت مورد استفادهٔ جریان اصلاح با عقلانیت ابزاری یا عقلانیت راسیونالیستی غربی متفاوت بوده است. آنان همواره در تأکید بر عقلانیت عقل فلسفی-اسلامی را مد نظر داشتند. سید جمال با همین نگاه به رد و نقد ماده‌گرایان رفته و درصدد ارائهٔ الگویی عقلانی در برابر فلسفهٔ ماتریالیستی برآمد. از همین رو، سید جمال متوجه خطرهای تجددگرایی افراطی بود. او هراس داشت که مسلمانان در اقتباس از تمدن غربی جهان‌بینی خود را هم از دست بدهند و جهان را با همان نگرش غربی ببینند؛ ازاین‌رو وی همان طور که با استعمار سیاسی مبارزه می‌کرد، از استعمار فرهنگی و فکری هم غافل نبود. او تفسیر تجربی و طبیعی از قرآن و مفاهیم اسلامی را به‌شدت طرد می‌کرد؛ از همین رو بر روش سید احمدخان هندی (قهرمان اصلاح در هند) خرده می‌گرفت. اعتراض وی به سید احمدخان این بود که وی تلاش می‌کند که مسائل ماورایی را، به بهانهٔ علم، توجیه طبیعی کند، و از غیب و معقول تعبیری محسوس و مشهود نماید.

در ادامهٔ راه سید جمال، بن نبی و حنفی هر دو با ادبیات تمدنی درصدد حل معضل تجدد و توسعهٔ اسلامی برآمده و تلاش کرده‌اند نسبت دین با مدرنیته را حل کنند، لیکن هنوز در میان این دو نیز نمی‌توان به اندیشهٔ تنقیح‌یافته و مشترکی دست یافت و سخن از گفتمان یا پارادایم تمدنی به میان آورد. با این حال، در این بین اصلِ رویکرد تمدنی در حل مسئلهٔ مدرنیته و نسبت آن با دین از یك سو و همین طور تأکیدی مثبت بر دین و جایگاه تمدنی آن در حل معضلات این جهانی خود می‌تواند زمینه‌های ایجاد یك گفتمان مشترك تمدنی را به وجود بیاورد.

در هر حال باید تأکید کرد که صِرف تأکید بر گفتمان تمدنی در دنیای اسلام مشکلات پیشِ روی دنیای اسلام را حل نخواهد کرد. در این باره، علاوه بر نگرش‌های این جهانی و سازوکار تحققِ اندیشهٔ اسلامی در متن جامعهٔ اسلامی نباید از ابعاد مختلف اندیشهٔ اسلامی، و واقعیات متنوعِ جهان اسلام، آن هم در عصر درهم‌آمیختهٔ جهان مدرن، غفلت ورزید. سخن از تمدن اسلامی بدون توجه به ابعاد فرهنگی (به‌ویژه اخلاقی)، اقتصادی و سیاسی در دنیای امروز امری ناتمام و ناقص خواهد بود. ازاین‌رو، باید در کنار ایجاد و تقویت رویکردهای تمدنی و روش‌های سیستمی ابعاد مختلفی را که در نهادینه‌شدن این اندیشه مؤثر هستند در نظر داشته، رویکرد تمدنی را در همهٔ ابعاد انسانی و اسلامی آن مورد توجه و تأکید قرار داد (نگاه جامع‌نگر). این رویکرد هم باید در ساحت اندیشه و فهم اندیشهٔ اسلامی به اجرا درآید و هم در مرحلهٔ تطبیق، عمل و طراحی جامعهٔ اسلامی سامان پیدا بکند. گفتنی است این نگرش عمل‌گرا که درصدد ارائهٔ راهکارهای نهادینه‌کردن دین در دنیای امروزین و ارائهٔ الگویی کارآمد از دینِ در دنیا و دنیای دینی است، نباید با محدودنگری در قالب‌های تنگ ایدئولوژی محصور بماند و به نوعی از سیاست‌زدگی و روزمرگی بینجامد. در همین راستا، تلاش‌های اندیشمندان دینی و حتی غیردینی در شناخت چالش‌های تمدنی جهان اسلام و ابهامات نهفته در آن را باید قدردانست و بر اساس فعالیت‌های انجام‌گرفته، تلاشی نوآغاز کرد تا به تدریج ابهامات را فروکاست و راه را برای ترسیم روشنی از افق‌های تمدنی در فراروی مسلمانِ جهان معاصر بازگشود.

با هر تفسیری از تمدن، شما کدام تراث ما را برای بازآفرینی شکل‌گیری الهیات اجتماعی که تمدن‌سازی کند مهم‌تر می‌دانید؟

پیش از آنکه به موضوع الهیات اجتماعی و نقش تمدن‌سازی آن بخواهیم فکر کنیم، باید دید که مسئلهٔ تمدنی امروز انسان، و مسئلهٔ تمدنی امروز جهان اسلام چیست؟ سپس باید دید که کدامین میراث فکری ما می‌تواند بدان مسئله پاسخی درخور بدهد. به نظرم امروزه، به‌رغم مسئله‌های تودرتو و معضلات متراکم انسانی، شاید از خودگسستگی انسان، خودفراموشی انسان، سِفلی شدن مضاعف

ازاین‌رو سید جمال همان‌طور که با استعمار سیاسی مبارزه می‌کرد، از استعمار فرهنگی و فکری هم غافل نبود. او تفسیر تجربی و طبیعی از قرآن و مفاهیم اسلامی را به‌شدت طرد می‌کرد؛ از همین رو بر روش سید احمدخان هندی (قهرمان اصلاح در هند) خرده می‌گرفت.